

رابطه توسعه و طلاق در ایران^۱

منصور دیهول* ، سیروس احمدی** ، اصغر میرفردی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۹ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین توسعه اجتماعی - اقتصادی و طلاق در کشور در طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۶۰ انجام شده است. بنابراین رویکرد این پژوهش به موضوع توسعه و طلاق و برهمکنش آنها، رویکردی جامعه‌شناختی به مطالعه انحرافات و مسائل اجتماعی در بستر توسعه و تحولات اجتماعی است. تحقیق حاضر از نوع کمی- طولی است که به روش سری‌های زمانی (تحلیل ثانویه) انجام شده است. مشاهدات مربوط به متغیرهای تحقیق، در دوره زمانی ۹۲-۱۳۶۰ جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش در سطح کلان انجام شده و به همین دلیل جامعه مورد بررسی، سطح مشاهده و تحلیل، کل کشور است.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی است.

* دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، مدیر گروه مطالعات اجتماعی شرکت بین‌المللی پردازش اطلاعات نقش کلید، (نویسنده مسئول).
mansurdayhol@gmail.com

s.ahmadi@yu.ac.ir

a.mirfardi@gmail.com

** دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج.

*** دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.

چارچوب نظری مبنای تحلیل، نظریه تغییر ارزش‌ها در جوامع در حال گذار و پذیرش طلاق به‌عنوان پیامد تحولات ارزشی توسعه اقتصادی-اجتماعی و برخورد ارزش‌ها و هنجارهای مدرن با ارزش‌ها و هنجارهای سنتی تخصیص نقش‌ها در حوزه ازدواج و خانواده است، که انتظار می‌رود با افزایش سطح توسعه‌یافتگی کشور، میزان آن نیز افزایش پیدا کند. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که همراه با روند رشد شاخص‌های توسعه در طول دوره مورد بررسی در کشور، میزان طلاق نیز افزایش قابل‌توجهی پیدا کرده است. بررسی روابط کوتاه‌مدت بین متغیرها نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مورد استفاده جهت سنجش توسعه اقتصادی - اجتماعی، سطح باسوادی و اشتغال در بخش صنعت در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بر طلاق داشته و باعث کاهش آن می‌شود در حالی که بررسی روابط بلندمدت نشان می‌دهد که هر چهار متغیر نرخ باسوادی، میزان اشتغال در بخش صنعت، امید به زندگی و دسترسی به زیرساخت‌های توسعه‌ای دارای اثر مثبت بر طلاق بوده و سبب افزایش طلاق شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: توسعه اقتصادی - اجتماعی، طلاق، روش سری‌های زمانی، ایران.

بیان مسئله

از قرن نوزدهم به این سو، شکل‌گیری جامعه صنعتی مهم‌ترین تحولی است که بشر به خود دیده است. اساساً این جامعه زاینده انقلاب صنعتی بود که از نیمه دوم قرن هیجدهم با تغییرات بنیادین و سریع در ساختار فناوری در انگلستان به وجود آمد و با تسری تدریجی به سایر بخش‌های جهان، منشأ بزرگ‌ترین دگرگونی‌ها در جامعه انسانی گردید. انقلاب صنعتی با افزایش اطلاعات پزشکی و کنترل امراض و بهبود وضعیت اقتصادی؛ باعث کاهش مرگ‌ومیر و افزایش جمعیت، افزایش امید به زندگی، همگانی شدن آموزش و گسترش زندگی در شهرها شد. در اقتصاد باعث تقسیم‌کار پیچیده و

وابستگی اقتصادها، افزایش بهره‌وری و تولید، دگرگونی ساختار تولیدی (از کشاورزی به صنعت و خدمات)، در حوزه سیاسی باعث افزایش مردم‌سالاری، توجه به حقوق مساوی و مشارکت سیاسی شد و در حوزه خانواده باعث تغییر شکل خانواده (از گسترده به هسته‌ای)، ازدواج (از فرمایشی، اقتصادی و عاقلانه به عاشقانه) و تغییرات گسترده در نقش زنان گردید.

اما انقلاب صنعتی همراه با مواهیش، مسائل عدیده‌ای را در جهان به‌ویژه در کشورهای صنعتی به وجود آورد. تأسیس کارخانه‌های مختلف همراه با استخدام افراد در آن به‌مرورزمان استقلال و خلاقیت افراد را از آن‌ها گرفت، صنعت بر انسان مسلط گردید و این امر باعث شد که مسائل و مشکلات عدیده‌ای برای انسان صنعتی به وجود آید و او را در تنگنا و فشار قرار دهد. مشکلات به وجود آمده در جریان صنعتی شدن، تأثیراتی بر روی افراد، طول عمر، مرگ‌ومیر، محیط‌زیست، تغذیه و... گذاشت. با تغییرات سریع در جوامع صنعتی، نظام خانواده نیز دگرگون گردید و گسترش حرکت افراد از روستاها به‌سوی شهرها، تغییرات فرهنگی را به ارمغان آورد و باعث ناهنجاری‌های اجتماعی، انحرافات جنسی، اخلاقی، افزایش طلاق و... در نقاط مختلف جوامع صنعتی گردید.

این تحولات نقطه عطفی شد در ظهور و توجه دانشمندان اجتماعی به مطالعه و بررسی جوامع انسانی و در نهایت سرآغازی شد برای مطرح‌شدن رشته‌های علوم اجتماعی و به‌طور اخص جامعه‌شناسی؛ تا بانیان این علوم در قالب حوزه مطالعاتی خود در سطحی کلان مباحثی همچون تکامل، تغییر و توسعه جوامع و یا به عبارتی گذار تاریخی جوامع و چگونگی این گذار و حرکت را مورد بحث و کنکاش قرار دهند (ازکیا، ۱۳۸۰: ۶۹). جامعه‌شناسان کلاسیک با وجود خوش‌بینی به جوامع صنعتی جدید از مشکلات و نارسایی‌ها و بحران‌های آن نیز سخن گفتند. دورکیم از آنومی در جوامع جدید، وبر و مارکس هر یک به نحوی از بیگانگی و تونیس از غربت افراد در جوامع جدید سخن گفته‌اند. مشکلات و نارسایی‌هایی که می‌توان با مقایسه جوامع توسعه‌یافته

رابطه توسعه و طلاق در ایران ۱۸۳

و مدرن با جوامع توسعه‌نیافته سنتی در دنیای امروز نیز مشاهده کرد، به‌طور مثال، بر اساس گزارش سازمان ملل متحد (۲۰۰۹) بالاترین نرخ‌های طلاق در دوره ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ مربوط به کشورهای روسیه و ایالات‌متحده (به‌عنوان جوامع توسعه‌یافته) و کمترین نرخ طلاق متعلق به کشورهای گواتمالا، تاجیکستان و بوسنی و هرزگوین (به‌عنوان جوامع توسعه‌نیافته) بوده است.

این امر در مورد دیگر آسیب اجتماعی مانند خودکشی نیز مصداق دارد که طی آن سالانه ۳۶۰۰۰ مورد خودکشی موفق و ۶۵۰۰۰ خودکشی ناموفق در ایالات‌متحده آمریکا اتفاق می‌افتد. این مثال‌ها نشان می‌دهند توسعه اقتصادی-اجتماعی درحالی‌که با تغییر در شیوه زندگی و تغییر در روابط اجتماعی، نگرش‌های نوینی را به دنبال می‌آورند، متعاقباً پدیده‌ها و مسائلی چون جنایت، خشونت، بحران خانواده، طلاق، اعتیاد، فقر، بی‌خانمانی، بیماری‌های روانی، الکلیسم و ... را نیز به همراه دارند. در ایران نیز برنامه‌های توسعه که از زمان پهلوی اول و تحت تأثیر الگوی نوسازی شکل گرفته بود به دلیل تأثیر شرایط طبیعی (توزیع منابع طبیعی، شرایط جوی و توزیع جمعیت)، عوامل انسانی (تصمیمات سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور) و عوامل ساختاری و تأکید یک‌سویه و ناهماهنگ بر رشد اقتصادی و غفلت از پرداختن به سایر جنبه‌های توسعه، سبب اختلال کارکردی در نظام اجتماعی و در نتیجه بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی شده است. به‌عنوان مثال، بر اساس آخرین آمار اعلام‌شده سازمان ثبت‌احوال در ایران، آمار تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۵، حدود ۸ درصد (۵۱ هزار مورد) کاهش داشته و از ۶۶۰ هزار واقعه در سال ۱۳۹۵ به ۶۰۹ هزار در سال ۱۳۹۶ رسیده است، این درحالی است که تعداد طلاق‌ها با هزار مورد افزایش به حدود ۱۷۵ هزار مورد در یک سال رسیده که بیشترین آمار ثبت‌شده طلاق در تاریخ کشور است.

طلاق، مهم‌ترین عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه یعنی خانواده است (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۳) طلاق عمدتاً به دلیل پیامدهای اجتماعی متعددی

(مانند فروپاشی نهاد خانواده، افزایش گرایش به رفتارهای کجروانه‌ای مانند مصرف مواد مخدر، خودکشی، همسرکشی، کاهش سلامت روانی و افزایش افسردگی و ...) که به دنبال دارد و گروه‌های مختلفی که در سطوح خرد (زن و مرد مطلقه، فرزندان طلاق، خانواده و اطرافیان زوج طلاق گرفته) و کلان (سیاست‌گذاران، دادگاه‌های خانواده، نهادهای حمایتی و ...) تحت تأثیر قرار می‌دهد، همواره از نظر اجتماعی دارای اهمیت فراوان بوده و مطالعات متعددی درباره آن در کشور انجام شده است.

اما با وجود انجام مطالعات متعدد درباره روندها، علل، پیامدها و آثار طلاق در حوزه‌های مختلف حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی و حتی انجام فرا تحلیل‌های مختلف درباره مطالعات طلاق، تاکنون هیچ‌یک از مطالعات مذکور به بررسی ارتباط توسعه و طلاق در سطح کلان نپرداخته‌اند، این‌که آیا می‌توان افزایش طلاق در سه دهه اخیر ایران را به فرایند توسعه در کشور مرتبط دانست؟ بر این اساس مسئله اساسی تحقیق حاضر این است که آیا روند طلاق در کشور در فرآیند زمانی (سه دهه اخیر) با سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور ارتباط دارد یا خیر؟

پیشینه پژوهش

با وجود آنکه پژوهش‌های متعددی به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته درباره ارتباط توسعه اقتصادی - اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر شرایط و ساختارهای کلان انجام شده است - مانند: نابالا خان و همکارانش^۱ (۲۰۱۵) در «تعیین‌کننده‌های اجتماعی - اقتصادی جرم در پاکستان، شواهدی جدید بر داده‌های قدیمی»، بوسول^۲ (۲۰۱۳) در «تغییرات اقتصادی و خشونت در چشم‌انداز محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، آلیوداگ^۳ و

۱. Nabeela Khan

۲. Matthew James Boswell

۳. Sener Uludag

همکاران (۲۰۰۹) در «دموکراسی، نابرابری، نوسازی، فعالیت‌های روزمره و تغییرات بین‌المللی در نرخ جرائم شخصی»، لافری و دراس^۱ (۲۰۰۲) در «غرش جرم در بین کشورها: شواهدی از نرخ خودکشی»، توشیما^۲ (۱۹۹۶) در «ساختار اقتصادی و جرم: مطالعه موردی ژاپن»، اندزنگ^۳ (۱۹۹۱) در «جرم و توسعه: تحلیل تطبیقی»، بنت^۴ (۱۹۹۱) در «توسعه و جرم: تحلیل سری‌های زمانی فراملی مدل مقایسه‌ای»، شیچور^۵ (۱۹۹۰) در «توسعه اقتصادی-اجتماعی و الگوهای جرم: تحلیل بین‌المللی» و ... - اما پژوهش‌های انگشت‌شماری به موضوع توسعه و طلاق با این رویکرد پرداخته‌اند.

موکایی^۶ (۲۰۰۴) در پژوهش خود با عنوان «نوسازی و طلاق در ژاپن» که در دانشگاه مارشال در وست ویرجینیای آمریکا انجام شده است به بررسی رابطه نرخ طلاق و میزان نوسازی در سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۲ در ژاپن پرداخته است. روش انجام این پژوهش تحلیل ثانویه است و از داده‌های وزارت بهداشت، رفاه اجتماعی و مرکز آمار ژاپن استفاده شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ طلاق در ژاپن در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۲ از ۰/۵ به ۲/۳ در هزار نفر از جمعیت افزایش یافته است. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که در دوره میجی و قبل از جنگ جهانی دوم نرخ طلاق در ژاپن به وسیله ایدئولوژی خانواده‌گرایی کنترل می‌شد و ارزش‌های سنتی میزان طلاق را پایین نگه داشته بود، اما بعد از جنگ جهانی دوم بر اثر رشد سریع اقتصادی و شهرنشینی، شکل خانواده و سبک ازدواج تغییر کرده است. بنابراین، توسعه اقتصادی در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم سبب تغییرات فرهنگی شده که به تدریج گرایش به

۱. Gary Lafree & Kriss A. Drass

۲. Masahiro Tsushima

۳. Dick Taver'shima Andzenge

۴. Richard R. Bennett

۵. David Shichor

۶. Motonobu Mukai

فردگرایی را در ژاپن به دنبال آورده است. از ۱۹۸۰ به بعد، این جریان فردگرایی در ژاپن تقویت شده و گرایش به خانواده و گروه‌های خویشاوندی کاهش یافته و طلاق به هنجاری اجتماعی با قبح کمتری تبدیل شد که این جریان سبب رشد تدریجی میزان طلاق در ژاپن شده است.

یوسفی و خدامرادی (۱۳۹۱) نیز در ایران در پژوهشی با عنوان «توسعه و طلاق: با تأکید بر نقش زنان» به دنبال پاسخ به این پرسش بوده‌اند که آیا بین جایگاه تغییر یافته زنان به علت توسعه در ایران و طلاق رابطه‌ای وجود دارد؟ روش انجام این پژوهش اسنادی بوده و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری مرکز آمار ایران و سالنامه آماری ثبت‌احوال و اطلاعات وزارت بهداشت در سال ۱۳۸۵ انجام شده است. سطح مشاهده و واحد تحلیل، شهرستان است. جامعه آماری مورد مطالعه کل ۳۳۱ شهرستان کشور و ۲۳۰ شهرستان به‌عنوان نمونه انتخاب شده است. شاخص توسعه ترکیبی از ۱۱ شاخص اشتغال مردان، بار تکفل، نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ شهرنشینی، نرخ باسوادی، درصد فارغ‌التحصیلان عالی، دسترسی به آب لوله‌کشی، گاز شهری، برق شهری تلفن ثابت و نسبت تخت بیمارستانی به کل جمعیت است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، شهرستان‌های مورد بررسی در پنج سطح توسعه‌ای (عالی، خوب، متوسط، پایین و خیلی پایین) دسته‌بندی شده‌اند که کلان‌شهرها عموماً از حیث توسعه در سطوح بالاتر قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بین میزان توسعه یافتگی و طلاق رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و با افزایش میزان توسعه یافتگی، طلاق نیز افزایش می‌یابد. همچنین متغیرهایی مانند: تحصیلات عالی، اشتغال زنان، بعد خانوار و میزان باروری نیز رابطه مستقیم و معناداری با میزان طلاق داشته‌اند. علاوه بر این پژوهش‌های متعددی نیز به بررسی ارتباط بین متغیرهای اقتصادی- اجتماعی با میزان طلاق پرداخته‌اند: بر اساس یافته‌های پژوهش سوث^۱ (۱۹۸۵) در

دوران رکود اقتصادی طلاق‌ها افزایش می‌یابند. همچنین هافمن^۱ و همکاران (۱۹۹۵) اثبات کرده‌اند که احتمال طلاق در ازدواج‌هایی که درآمد شوهران بالاتر است، پایین می‌آید، همچنین یافته‌های پژوهش برگس^۲ و همکاران (۲۰۰۳) در آمریکا نشان می‌دهد که بالا بودن ظرفیت‌های درآمدی برای مردان احتمال طلاق را کاهش می‌دهد، کاواتا^۳ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که میزان بیکاری ارتباط مستقیم و معناداری با افزایش طلاق در ژاپن دارد، وانگ و ژو^۴ (۲۰۱۰) ارتباط مثبتی بین افزایش درآمد ناخالص ملی و افزایش نرخ طلاق در چین را نشان داده‌اند. در ایران نیز بر اساس یافته‌های مطالعه ممدی (۱۳۸۰) بیکاری یک از عمده‌ترین دلایل تقاضای طلاق بوده است. همچنین داداش زاده (۱۳۸۶) نشان داده است که وجود مشکلات اقتصادی خانواده یکی از دلایل اصلی طلاق است، موسایی و همکاران (۱۳۸۸) نیز ارتباط مستقیم و معناداری بین میزان طلاق با هزینه خانوار، نسبت شهرنشینی و ارتباط معکوس طلاق با افزایش درآمد و سطح سواد عمومی را نشان داده‌اند. همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق نوابخش و همکاران (۱۳۹۴) نرخ شهرنشینی، باسوادی زنان، سهم زنان با تحصیلات عالی و اشتغال زنان تاثیرات مستقیمی بر میزان طلاق دارند.

از آنجا که بیشتر تحقیقات انجام‌شده در مورد طلاق، پیمایشی بوده و واحد مشاهده و سطح تحلیل آن‌ها خرد است؛ بنابراین تأثیر عوامل مرثر در طلاق در سطح کلان، به‌ویژه روندهای بلندمدت و سطح توسعه‌یافتگی و تأثیر آن بر میزان طلاق کامل درک نشده‌اند. وجه متمایز این تحقیق با سایر تحقیقات انجام‌شده، نگاه کلان به متغیرها و تأثیر روندهای کوتاه‌مدت و بلندمدت توسعه در کشور بر میزان طلاق است.

۱. Hoffman

۲. Burgess

۳. Kawata

۴. Qingbin Wang & Qin Zhou

مبانی نظری پژوهش

یکی از محورهای اصلی تحقیقاتی که درصدد تبیین‌های کلان^۱ وضعیت جرائم و آسیب‌های اجتماعی هستند، بررسی تاثیرات اقتصادی- اجتماعی ناشی از توسعه (اقتصادی - اجتماعی) بر ساختار و نظام جوامع و به تبع آن الگوهای جرم و انحرافات اجتماعی در جامعه است (Zehr, ۱۹۹۰, Shichor, ۱۹۹۱, Bennett, ۱۹۸۱, Shelley, ۱۹۸۲, Rahav, Jaamdar, ۱۹۸۱). بر این اساس توسعه اقتصادی - اجتماعی یا فرایند دستیابی به آن، از چند طریق می‌تواند بر وضعیت آسیب اجتماعی در جوامع تأثیر بگذارد:

۱- صنعتی شدن و شهرنشینی

صنعتی شدن همرا با مزیت‌ها و آثار مثبت، زمینه بروز مشکلات متعددی نیز می‌شود، صنعتی شدن همراه با کاهش مرگ‌ومیر نوزادان و افزایش امید به زندگی به‌عنوان تغییرات جمعیتی مهم، مهاجرت و شهرنشینی^۲ گسترده را نیز به دنبال خواهد داشت.

در واقع شهر مدرن زاینده انقلاب صنعتی و تاثیرات تکنولوژیکی و اقتصادی- اجتماعی آن است^۳، چرا که صنعت به بازار نیروی کار و خدمات وابسته آن نیاز دارد و

۱- تبیین‌های سطح کلان، با تأکید بر شرایط و ساختارهای کلان جامعه و آثار آن بر وضعیت جامعه، به تبیین پدیده‌ها می‌پردازند. در مقابل تبیین‌های خرد به علل خرد و فردی مسائل مانند: ویژگی‌های فردی (زیستی، روان‌شناختی و روان‌شناختی- اجتماعی)، نظام شخصیت یا زمینه بلافصل اجتماعی (مانند: خانواده و تاثیرات همالان) و ... در تبیین پدیده‌ها توجه می‌کنند. در تبیین طلاق نظریه‌های خرد به عللی مانند اختلاف سنی، دخالت اطرافیان، ازدواج در سنین پایین، اعتیاد، نداشتن فرزند و نازایی، بیماری‌های روانی، عدم توافق در مسایل جنسی و زناشویی، وجود روابط نامشروع جنسی، عدم شناخت قبل از ازدواج و ... اشاره دارند که در این پژوهش مد نظر نیست.

۲. Urbanization

۳- ذکر این نکته ضروری است که شهرنشینی در جهان، خاصه در مشرق زمین، سابقه‌ای کهن دارد و آثار عظیم شهرنشینی و بناهای ارزشمند از گذشته‌های دور به جای مانده است، اما رشد بی‌سابقه شهرها در عصر حاضر به

آن را در همجواری و همنشینی با شهر می‌یابد. از این نظر می‌توان گفت توسعه صنعتی و شهرنشینی دو روی یک فرایند است. محققان اجتماعی و جرم‌شناسان بحث‌های طولانی را درباره وجود رابطه بین شهرنشینی، جرم و رفتارهای غیراخلاقی انجام داده‌اند، ویژگی‌های خاص زندگی شهری، مانند اندازه، تراکم، ناهمگونی و ناشناختگی پیامد خاص زندگی شهری هستند که انحراف و کجروی را افزایش می‌دهند (Malik, ۲۰۱۶: ۶۹). از سوی دیگر مهاجرت روستاییان به شهرها در جست‌وجوی کار و زندگی بهتر و سکونت نامناسب در حواشی و محلات خاص، همراه با تعارضات قومی و فرهنگی و تفاوت در شیوه‌های زندگی، گمگشتگی و تغییر هویت در محیط‌های نامأنوس شهری همراه با کاهش نظارت و کنترل اجتماعی، بی‌نظمی و در نتیجه اختلال و قانون‌شکنی و بی‌توجهی به ضوابط و قوانین و در نهایت گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی را به دنبال خواهد آورد (توسلی، ۱۳۹۳: ۴۴). در این راستا نتایج مطالعات تطبیقی بین‌المللی نشان می‌دهد که افزایش شدید نرخ جرائم^۱ در جوامع در حال صنعتی شدن نتیجه اختلال در الگوهای نظام سنتی به وسیله شهرنشینی و تغییرات اجتماعی سریع و تغییر از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و خدماتی است (LaFree, Drass, ۲۰۰۲: ۷۷۳).

۲- ساختار جوامع در حال گذار

در جوامع در حال گذار رفتارهای انحرافی تا حد زیادی نتیجه برخورد ارزش‌ها و هنجارهای مدرن با نظام قدیمی و مختل شده تخصیص نقش‌ها است؛ هنگامی که نقش‌های جدید به‌طور کامل جهت ساخت دستورالعمل‌های هنجاری در جامعه نهادینه و یکپارچه نشده‌اند و مکانیسم‌های حمایتی سنتی، مبهم و دچار اختلال شده‌اند. این

دنبال توسعه صنعت در قرن نوزدهم اتفاق افتاد که تا قبل از قرن نوزدهم و انقلاب صنعتی سابقه نداشته است (شارع‌پور، ۱۳۹۳: ۴۲).

فرایندهای اساسی به افزایش نرخ جرم و انحرافات منجر می‌شوند و با طیف گسترده‌ای از مفاهیم متمایز، از جمله اختلال در ساختار اجتماعی (دیویس، ۱۹۶۲، اسملسر، ۱۹۶۲)، آنومی (مرتون، ۱۹۳۸، مسنر و روزنفلد، ۱۹۷۷)، درهم‌شکستن^۱ (تیلی و همکاران، ۱۹۷۵، یوسیم، ۱۹۸۵)، تنش^۲ (لودهی و تیلی، ۱۹۷۳) و فشار^۳ (اینکس، ۱۹۸۳، لیوی، ۱۹۶۶) توصیف شده‌اند (LaFree, Drass, ۲۰۰۲: ۷۷۳).

در این زمینه سه تبیین متفاوت اما مرتبط بهم مطرح شده است:

یک فرضیه کلی وجود دارد مبنی بر این که توسعه اقتصادی-اجتماعی بر الگوها و رفتارهای انحرافی تأثیر می‌گذارد، مبنای اصلی این فرضیه مفاهیم نظری خاص مانند نظریه آنومی دورکیم و مرتون است که نشان می‌دهد در زمان تغییرات سریع اجتماعی، سازگاری اجتماعی دچار اختلال می‌شود و نتیجه آن ظهور شرایط مبهمی است که در آن سازوکارهای کنترل اجتماعی قادر به تنظیم زندگی اجتماعی نیستند و دستورالعمل‌های رفتاری و انتظارات نقشی بر هم منطبق نیستند (Shichor, ۱۹۹۰: ۶۵). آنومی اجتماعی یا اختلال هنجاری به عنوان یکی از انواع عمده اختلال اجتماعی از عوارض عمده مرحله گذار است (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۰۷).

فرض نظری دیگر بحث عقب‌ماندگی فرهنگی^۴ است که توسط آگبرن^۵ مطرح شده است. طبق این فرضیه عقب‌ماندگی فرهنگی در جوامعی اتفاق می‌افتد که توسعه اقتصادی گسترده‌ای را تجربه می‌کنند که در جریان آن، فرهنگ مادی به سرعت تغییر می‌کند، درحالی که سرعت تغییر فرهنگ انطباقی (سازبخش)^۶ بسیار کمتر است. این

۱. Breakdown

۲. Tension

۳. Strain

۴. Culture Lag

۵. Ogburn, William Fielding

۶. Adaptive Culture

فاصله بین سرعت تغییرات تکنولوژیکی و تغییرات فرهنگی بر کنترل اجتماعی تأثیر می‌گذارد. تأثیر سنتی گروه‌های اولیه کاهش می‌یابد و خلأ ایجاد شده توسط مکانیسم کنترل اجتماعی رسمی پر نمی‌شود. این فرایند به افزایش حجم رفتارهای ضداجتماعی^۱ می‌انجامد. افراد زیادی مجبور به سازگاری با فضای اجتماعی - فرهنگی در حال تغییرند و نیازهای (عمدتاً مادی) جدیدشان برآورده نمی‌شود. آگبرن نتیجه‌گیری می‌کند که «جرم گواه روشنی از عدم سازگاری بین طبیعت انسانی و فرهنگ است» (Shichor, ۱۹۹۰: ۶۵-۶۶).

فرض دیگر بحث نابرابری اقتصادی در فرایند توسعه و تأثیر آن بر میزان جرم در جامعه است که بیشتر از سوی اقتصاددانان مطرح شده است. عمده بحث‌های نابرابری و توسعه اقتصادی تحت تأثیر فرضیه معروف «سیمون کوزنتس»^۲ مورخ اقتصادی است. کوزنتس، توسعه اقتصادی را به‌عنوان فرآیند گذار از اقتصاد سنتی (یا روستایی) به اقتصاد نوین (یا شهری) نگاه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در مراحل اولیه توسعه، توزیع درآمد رو به وخامت می‌گذارد، زیرا تعداد کمی از مردم این توانایی را دارند که به بخش نوین یا مدرن منتقل شوند و بدین روی، اختلاف سطح دستمزد بین بخش سنتی و نوین زیاد است. در مراحل بعدی توسعه، توزیع درآمد رو به بهبود می‌گذارد، بر اساس این فرضیه، در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور، نابرابری درآمد، نخست افزایش می‌یابد و پس از ماندن در سطح معینی، به تدریج کاهش می‌یابد. این الگو، بعدها به نام «منحنی وارونه کوزنتس»^۳ معروف شد. بنابراین نابرابری به‌طور نسبی در کشورهای در حال گذار (یعنی در سطوح میانی توسعه اقتصادی) کم و بیش زیاد است (چلبی، اکبری، ۱۳۸۴: ۲۹). از سوی دیگر، نابرابری درآمدی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در جامعه مطرح است.

۱. antisocial behavior

۲. Simon Kuznets

۳. Kuznetss U-inverted Curve

۳- توسعه و تغییر ارزش‌ها

در اکثر جوامع، توسعه با تغییر ارزش‌ها همراه است. مهم‌ترین تلاش در جهت ارائه یک نظریه منسجم تغییر ارزش‌ها در جریان توسعه مربوط به رونالد اینگلهارت است. نظریه اینگلهارت مبتنی بر این است که توسعه اجتماعی - اقتصادی با سندرم گسترده نگرش‌های متمایز ارزشی مرتبط است، که تغییرات سیستماتیک در ارزش‌های اساسی افراد به همراه می‌آورد. اینگلهارت اثبات می‌کند که جهان‌بینی‌های مردم جوامع ثروتمند به شیوه‌ای نظام‌مند از جهان‌بینی جوامع کم درآمد در طیف وسیعی از هنجارهای سیاسی، اجتماعی و دینی، متفاوت هستند. این تفاوت‌ها در دو بعد اصلی تداوم می‌یابند: ارزش‌های سنتی در مقابل ارزش‌های سکولار - عقلانی و ارزش‌های بقاء در مقابل ارزش‌های ابراز وجود (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۱۵).

جوامع سنتی بر دین، ارزش‌های سنتی و احترام و اطاعت از ارزش‌های اقتدار تأکید می‌کنند، دگرگونی از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های سکولار - عقلانی با دگرگونی از جامعه روستایی به جامعه صنعتی مرتبط می‌شود. با رشد سطوح صنعتی شدن، جوامع، سکولارتر و عقلانی‌تر می‌گردند. همچنین دگرگونی از ارزش‌های بقاء به ارزش‌های ابراز وجود با رشد جامعه فراصنعتی مرتبط می‌شود. ارزش‌های بقاء اولویت بالایی برای امنیت اقتصادی و فیزیکی و هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی قائل می‌شوند. ارزش‌های ابراز وجود به آزادی بیان، مشارکت در تصمیم‌گیری فعالیت سیاسی، حمایت از محیط‌زیست، برابری جنسیتی و رشد تساهل نسبت به اقلیت‌های قومی، دسته‌ها و گروه‌های مختلف، اولویت بالایی اختصاص می‌دهند (همان: ۱۷-۱۶). بنابراین، ارزش‌ها و عقاید موجود در جوامع توسعه‌یافته از ارزش‌های میان فرهنگی و عقاید جوامع سنتی بسیار متفاوت هستند. در جوامع سنتی، خانواده برای بقاء ضروری است، مردم طلاق را انکار کرده و بر سازگاری اجتماعی بسیار بیش از مبارزات فردگرایانه تأکید می‌کنند، از احترام به قدرت حمایت کرده و سطوح بالایی از غرور ملی و نگرش ملی‌گرایانه دارند؛

اما جوامع توسعه یافته با ارزش‌های سکولار - عقلانی در این موضوعات خصلت‌های متفاوتی دارند (همان: ۸۷).

چارچوب نظری

با توجه به سه گونه تاثیرات مطرح شده توسعه اقتصادی - اجتماعی بر وضعیت آسیب‌های اجتماعی و بخصوص طلاق در ایران و همچنین با توجه به تحقیقات پیشین مرتبط با موضوع، به نظر می‌رسد بتوان رابطه توسعه اقتصادی - اجتماعی و طلاق در کشور را در چارچوب نظریه تغییر ارزش‌ها و شرایط در حال گذار جامعه ایران تبیین کرد. همانطور که مطرح شد با وجود این‌که اینگلههارت روند تغییر ارزش‌ها از جامعه سنتی به جامعه مدرن را مثبت ارزیابی کرده و امیدوار است توسعه اقتصادی با تغییر ارزش‌ها و گسترش استقلال و انتخاب انسانی در نهایت آزادی و دموکراسی را به دنبال داشته باشد اما همانطور که بیان شد توسعه اقتصادی با کاهش ارزش‌های سنتی و دینی در جامعه سنتی و دفاع از آزادی و انتخاب عقلانی افراد، زمینه ساز مسائل و آسیب‌هایی اجتماعی مانند خودکشی و طلاق می‌شود که جامعه مدرن (توسعه یافته) به عنوان آزادی انتخاب افراد از آن‌ها دفاع می‌کند، در این راستا است که گود تغییر ایستارها در مورد طلاق را بخشی از فرآیند عمومی سکولاریزه شدن جوامع می‌داند. سکولاریزاسیون موجب کاهش تأثیر ایمان مذهبی شده و نهاد خانواده دیگر نه به عنوان یک امر مقدس، بلکه به عنوان ابزاری برای ارضای نیازها و عواطف جنسی در نظر گرفته می‌شود. بدیهی است در چنین جامعه‌ای نگرش به طلاق نیز سهلگیرانه‌تر می‌شود (گود، ۱۳۵۳: ۲۵۰).

بنابراین، اگر از این چارچوب به موضوع بنگریم، توسعه اقتصادی - اجتماعی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی متعاقب آن، بسیاری از نگرش‌های افراد را تغییر داده و بر چگونگی وقوع ازدواج یا طلاق تأثیر می‌گذارد. سن ازدواج در چنین شرایطی عموماً افزایش می‌یابد، تعداد فرزندان کاهش می‌یابد و طلاق نه به عنوان رفتار ناهنجار بلکه

به‌عنوان چارچوب قانونی برای برون رفت از مسائل خانواده مطرح است. این واقعیت که طلاق دیگر نوعی داغ ننگ به حساب نمی‌آید، تا حدی نتیجه تحولات اجتماعی [بالا رفتن سطح ثروت و رفاه در جامعه] است که موجب تشدید این تحولات نیز می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۴: ۲۶۳). از سوی دیگر شرایط در حال گذار جامعه ایران و برخورد ارزش‌ها و هنجارهای مدرن با ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، تخصیص نقش‌ها به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند تحصیلات، اشتغال و استقلال زنان، برابری زن و مرد در مقابل نقش‌ها و انتظارات سنتی از زنان، زمینه را برای افزایش طلاق فراهم کرده است. بر این اساس، چارچوب نظری مبنای تحلیل در این پژوهش، پذیرش طلاق به‌عنوان پیامد تحولات ارزشی توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرایند گذار جامعه ایران مطرح است، که انتظار می‌رود با افزایش سطح توسعه‌یافتگی کشور، میزان آن نیز افزایش پیدا کند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کمی- طولی است که به روش سری‌های زمانی انجام شده است. سری زمانی به مجموعه‌ای از مشاهدات کمی گفته می‌شود که در فواصل زمانی و به صورت متوالی اندازه‌گیری می‌شود. روش‌های آماری که این گونه داده‌های آماری را مورد استفاده قرار می‌دهند روش‌های تحلیل سری‌های زمانی نامیده می‌شوند (چتفیلد، ۱۳۸۹: ۳۲). در این پژوهش، مشاهدات مربوط به متغیرهای تحقیق، در دوره زمانی ۹۲-۱۳۶۰ جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفته است. منبع اصلی داده‌های تحقیق، استفاده از داده‌های موجود مراکز آماری کشور مانند: مرکز آمار ایران، سازمان ثبت‌احوال و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است.

بنا به تعریف مفهومی: توسعه فرایندی است که طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود؛ به‌طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود (ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۸). بر این اساس، باید بین توسعه

به‌عنوان یک فرایند (میزان تغییر) و توسعه به‌عنوان یک شرط (یک سطح) تمایز قائل شد. توسعه یا میزان تغییر را مشخص می‌کند و یا به معنای سطح کلی رفاه اقتصادی - اجتماعی و یا برابری اجتماعی به کار می‌رود (لفت‌ویچ، ۱۳۸۹: ۷۴). در اینجا توسعه اقتصادی - اجتماعی به‌عنوان یک فرایند (میزان تغییر) مد نظر است و جهت بررسی این فرایند و با توجه به شاخص‌های جهانی مشابه، جهت سنجش درجه یا میزان توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها، مانند شاخص توسعه انسانی^۱ (با شاخص‌های زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب)، شاخص پیشرفت اجتماعی^۲ (با شاخص‌های نیازهای اساسی انسانی، نیازهای زیربنایی و فرصت) در چهار زمینه اصلی (روند کلی توسعه‌یافتگی، توسعه آموزشی، توسعه بهداشت و سلامت، توسعه زیرساخت و توسعه اشتغال و درآمد) از شاخص‌های زیر استفاده شده است:

توسعه آموزشی: شاخص درصد باسوادی به معنای نسبت جمعیت ۶ سال و بالاتر باسواد کشور نسبت به کل جمعیت (منبع داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران).

توسعه بهداشتی و سلامت: شاخص امید به زندگی به معنای متوسط طول عمر در یک جامعه (منبع داده‌ها: بانک جهانی).

توسعه زیرساختی: شاخص ترکیبی از میزان دسترسی به آب لوله‌کشی، برق شهری، تلفن ثابت، گاز شهری (منبع داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران).

توسعه اقتصادی: میزان شاغلان بخش صنعت به معنای تعداد افراد شاغل در کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر و بیشتر کارکن (منبع داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران).

۱. Human Development Index

۲. Social Progress Index

بنا بر تعریف مفهومی: طلاق، انحلال قانونی ازدواج توسط یک یا هر دو زوج است، همانطور که آغاز شده است (Casanova, ۲۰۰۸: ۲۴۷). طلاق در واقع مکانیسمی قراردادی و پذیرفته شده در اکثر جوامع است که به زن یا مرد و در صورت توافق به هر دو امکان می‌دهد تا تحت شرایطی و طی مراحل پیوند زناشویی خویش را گسسته و از هم جدا شوند (پیران، ۱۳۶۹). جهت بررسی طلاق در این پژوهش از میزان خام طلاق در کشور استفاده می‌شود،^۱ که از نسبت کل افرادی که طلاق گرفته‌اند در جامعه مورد مطالعه به میانه همان جمعیت (به‌طور معمول در یک سال تقویمی) ضربدر هزار بدست می‌آید (کلاتری، روشنفکر، ۱۳۹۳: ۳۴).

پژوهش حاضر در سطح کلان انجام شده و به همین دلیل جامعه مورد بررسی، سطح مشاهده و تحلیل، کل کشور است. جهت توصیف یافته‌ها از منحنی‌های زمانی و جهت بررسی رابطه توسعه اقتصادی - اجتماعی و طلاق از تحلیل سری زمانی به روش الگوی خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی^۲ ARDL و برای تخمین مدل و بررسی روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت از نرم افزار میکروفیت^۳ استفاده شده است. با توجه به این‌که، در تحلیل سری‌های زمانی، علاوه بر سنجش دوره‌های بلندمدت، امکان سنجش دوره‌های کوتاه‌مدت نیز وجود دارد، در بررسی رابطه متغیرها علاوه بر روابط ایستا و کوتاه‌مدت، روابط پویا و بلند مدت نیز مورد توجه بوده است.

۱- شاخص مهم دیگر در مطالعات مربوط به طلاق، نسبت طلاق به ازدواج است که به معنای تعداد طلاق‌ها به ازای هر ۱۰۰ ازدواج است که به علت اینکه تعداد ازدواج‌ها در یک جامعه به شدت به هرم سنی جمعیت وابسته است بنابراین در بسیاری از موارد افزایش این نسبت به کاهش جمعیت در سن ازدواج مرتبط می‌شود تا افزایش تعداد طلاق‌ها، هرچند شاخص میزان خام طلاق نیز به دلیل قرار گرفتن کل جمعیت (و نه تعداد متأهلین جامعه) در مخرج کسر نمی‌تواند معرف کامل وضعیت طلاق در جامعه باشد ولی به جهت عدم وجود تعداد دقیق جمعیت متأهل در هر سال به ناچار در اکثر تحقیقات داخلی و حتی خارجی از شاخص میزان خام طلاق به عنوان معرف وضعیت طلاق استفاده می‌شود.

۲. Auto Regressive Distributed Lag (ARDL) Method.

۳. Microfit

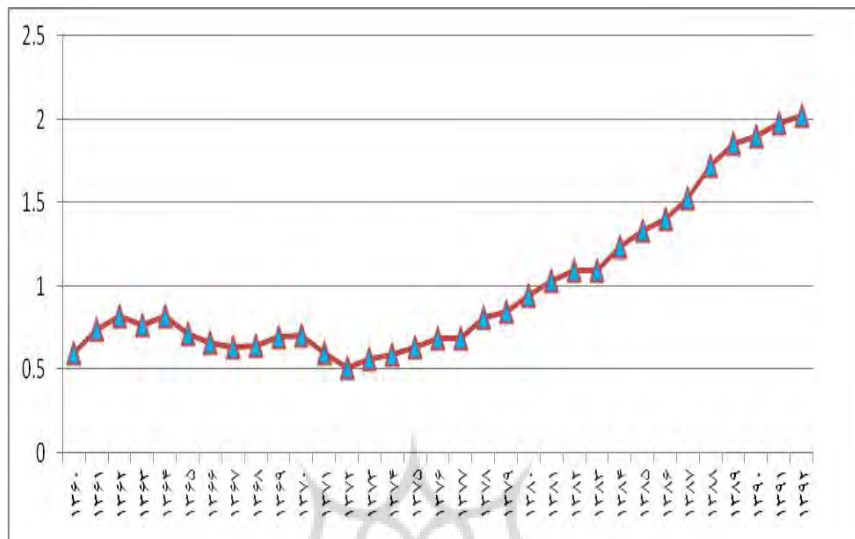
درباره اعتبار و پایایی تحقیق همانطور که بیکر (۱۳۹۲) معتقد است یکی از مهمترین دلایل استفاده از آمارهای موجود این است که به هنگام آمارگیری و پردازش داده‌ها بسیاری از مسائل اعتبار و پایایی آن‌ها مورد توجه و بررسی قرار گرفته و رفع شده است. مثلاً میزان جرائم یا بیکاری اندازه‌هایی هستند که مدت‌های مدید روی آن‌ها کار شده، مورد انتقاد قرار گرفته، از نو ساخته و پرداخته شده‌اند و در مورد سنجش این متغیرها اجماع بالایی وجود دارد. بر این اساس در تحقیق حاضر تلاش شده است منابع مورد نیاز از دستگاه‌ها و نهادهای معتبر ملی و بین‌المللی جمع‌آوری و با مقایسه داده‌ها و منابع مختلف، خطاهای احتمالی شناسایی و تصحیح گردند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در این مقاله شامل دو بخش توصیف و تحلیل است؛ در بخش توصیفی به توصیف هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه با استفاده از نمودارها و منحنی‌های زمانی و در بخش تحلیل از طریق برآورد الگو به تبیین رابطه بین توسعه اقتصادی اجتماعی و طلاق پرداخته می‌شود. نمودار شماره ۱ میزان خام طلاق در کشور را بر اساس آمار ثبت احول طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲ نشان می‌دهد.

نمودار ۱- میزان خام طلاق در هر هزار نفر جمعیت، سال ۱۳۶۰-۱۳۹۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منبع: استخراج بر اساس داده‌های سالنامه‌های آماری سازمان ثبت‌احوال کشور

بر اساس آمار ارائه شده سازمان ثبت‌احوال کشور، با وجود آنکه میزان خام طلاق در کشور بین سال‌های ۱۳۶۰ (به‌عنوان سال ابتدایی پژوهش) تا سال ۱۳۷۲ روند سینوسی (افزایشی-کاهشی) داشته، اما از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۹۲ در طول بیست سال همواره روند طلاق افزایشی بوده است. به این معنی که در سال ۱۳۶۰، تعداد ۲۲۴۳ طلاق در کشور (با برآورد ۴۰/۸۲۵/۵۹۵ نفر جمعیت) ثبت شده است که به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ۰/۶ واقعه طلاق ثبت شده است. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ تعداد ۱۵۵۳۶۹ طلاق در کشور (با برآورد ۷۶/۹۴۲/۰۰۰ نفر جمعیت) ثبت شده است که به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ۲/۰۱ واقعه طلاق ثبت شده است. همچنین در طول این سی و سه سال به‌طور میانگین نرخ رشد طلاق^۱ ۶/۳۳ بوده است که بیشترین میزان نرخ

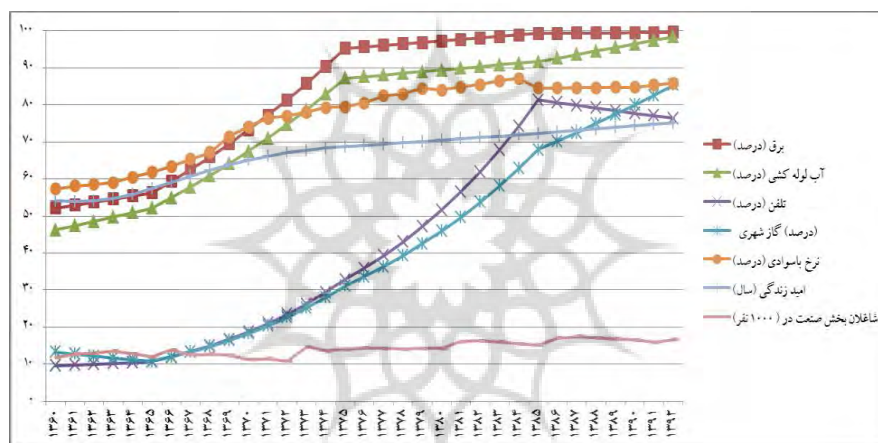
۱- نحوه محاسبه نرخ رشد طلاق به صورت $(100 \times \frac{\text{طلاق سال قبل} - \text{طلاق هر سال}}{\text{طلاق سال قبل}})$ = نرخ رشد طلاق است و اهمیت آن به این دلیل است که شدت و سرعت تحولات طلاق را نشان می‌دهد (نصرتی‌نژاد، دیهول، ۱۳۹۰: ۶).

رابطه توسعه و طلاق در ایران ۱۹۹

رشد مربوط به سال ۱۳۶۱ است که نسبت به سال ۱۳۶۰ به میزان ۲۷/۸۳ رشد داشته و کمترین میزان نرخ رشد طلاق مربوط به سال ۱۳۷۲ است که نسبت به سال ۱۳۷۱ به میزان ۱۳/۷۵ درصد رشد منفی داشته است.

در مورد وضعیت توسعه اقتصادی اجتماعی با توجه به شاخص‌های مورد بررسی ارائه شده در نمودار شماره ۲ می‌توان گفت که در اکثر شاخص‌های مورد مطالعه شاهد روند افزایشی هستیم.

نمودار ۲- شاخص‌های توسعه در ایران سال ۱۳۶۰-۱۳۹۲



منبع: استخراج بر اساس داده‌های رسمی بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و بانک جهانی

همانطور که در نمودار ۲ نیز مشاهده می‌شود بر اساس آمار مراجع رسمی در طول سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲:

- روند نرخ باسوادی از ۵۷/۳۰ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۸۵/۹۰ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش پیدا کرده است.
- روند شاغلان بخش صنعت از ۱۱/۹۲ نفر شاغل از هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۳۶۰ به ۱۶/۶۳ نفر شاغل در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۳۹۲ افزایش پیدا کرده است.

- روند امید به زندگی جمعیت در بدو تولید از ۵۴/۱۳ سال در سال ۱۳۶۰ به ۷۵/۱۷ سال در سال ۱۳۹۲ افزایش پیدا کرده است.
 - روند دسترسی به آب لوله کشی از ۴۲/۶۰ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۹۸/۴۰ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش پیدا کرده است.
 - روند دسترسی به تلفن ثابت از ۵۰/۹۵ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۷۶/۴۰ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش پیدا کرده است.
 - روند دسترسی به برق شهری از ۵۲/۱۰ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۹۹/۶۰ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش پیدا کرده است.
- بنابراین با توجه به این اطلاعات می‌توان گفت توسعه اقتصادی اجتماعی در کشور در طول سال‌های مورد مطالعه (۱۳۶۰-۱۳۹۰) روند افزایشی و رو به بهبود داشته و سطح کلی رفاه اقتصادی - اجتماعی جمعیت افزایش یافته است. البته همانطور که در تعریف مفهومی شاخص توسعه اقتصادی - اجتماعی نیز بیان شد، آنچه در این پژوهش مدنظر است توسعه اقتصادی - اجتماعی به‌عنوان روند و میزان است و نه به‌عنوان سطح و مقصد نهایی؛ بنابراین بر اساس این تعریف است که ایران در شاخص توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) به‌عنوان سال انتهایی مورد مطالعه) معادل ۰/۷۷۴ و در بین کشورها با سطح توسعه بالا^۱ قرار می‌گیرد و بین سال‌های ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) تا ۲۰۱۳ (۱۳۹۰) شاخص توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران از ۰/۴۳۷ به ۰/۷۷۴ رسیده است که بیش از ۶۰ درصد رشد کلی و بطور میانگین ۱/۶ درصد رشد سالانه را نشان می‌دهد (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۱۵).

یافته‌های تبیینی

همانطور که قبلاً نیز ذکر شد به منظور برآورد رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرهای مستقل پژوهش (توسعه اقتصادی اجتماعی با شاخص‌های مشخص شده) و متغیر وابسته (میزان خام طلاق) در ایران بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲، از روش اقتصادسنجی، الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) استفاده می‌شود. روش اقتصادسنجی (ARDL) توسط هاشم پسران و شین^۱ (۱۹۹۹) به منظور بررسی رابطه هم‌جمعی و بلندمدت بین متغیرها ارائه شده است. یک مدل الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی به‌طور کلی به صورت $ARDL(p_1, q_1, q_2, \dots, q_k)$ نشان داده می‌شود. به‌طور مشخص اگر Y_t متغیر وابسته و X_t متغیر مستقل باشد، مدل ARDL به صورت زیر خواهد بود (تشکینی، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۳۱):

$$\alpha(L, P) Y_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^k \beta_i(L, q_i) X_{i,t} + U_t$$

به منظور برآورد مدل از نرم افزار میکروفیت^۲ استفاده شده و مراحل انجام بدین صورت است که در مرحله اول با استفاده از آزمون ریشه واحد، درجه هم‌جمعی هر یک از متغیرهای مدل تعیین می‌شود. سپس با انجام آزمون F وجود و یا عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها بررسی شده و ضرایب بلندمدت محاسبه می‌شود. در مرحله بعد به منظور بررسی رابطه کوتاه‌مدت بین متغیرها، مدل تصحیح خطای ARDL برآورد شده و سرعت تعدیل در هر دوره به منظور برقراری یک رابطه بلندمدت به دست می‌آید. در پایان نیز برای اطمینان از ثبات ضرایب مدل در طول زمان، آزمون‌های ثبات CUSUM و CUSUMSQ انجام می‌گیرد.

قبل از برآورد مدل، باید آزمون مانایی^۳ برای تمام متغیرها انجام شود^۱ تا این اطمینان حاصل شود که هیچ یک از متغیرهای جمعی از مرتبه دو، یعنی $I(2)$ نیستند و

۱. Hashem Pesaran & Yongcheol Shin

۲. Microfit

۳. Stationary Test

بدین وسیله از نتایج ساختگی اجتناب شود، زیرا هنگام وجود متغیرهای $I(2)$ در مدل، آماره‌های F محاسبه شده، قابل اعتماد نیستند. آزمون F مبتنی بر این فرض است که تمام متغیرهای موجود در مدل، $I(0)$ و یا $I(1)$ هستند (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۸). اگر معادله سری‌های زمانی نامانا برآورد شود در این صورت ضرایب به دست آمده از رگرسیون یادشده کاذب و گمراه کننده خواهند بود. بنابراین برای اجتناب از رابطه‌ای کاذب و نتایج گمراه کننده، پیش از برآورد مدل، مرتبه انباشتگی هر یک از متغیرها به روش دیکی فولر تعمیم یافته ADF^2 آزمون شده است و نتایج آن در جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱- نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته جهت آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

ردیف	متغیر	سطح		تفاضل مرتبه اول	
		آماره ADF	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	آماره ADF	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪
۱	میزان خام طلاق	-۰,۷۷۴۴۳	-۳,۵۶۱۵	-۶,۴۷۵۳	-۳,۵۶۷۱
۲	درصد باسوادی	-۰,۱۴۴۶۴	-۳,۵۶۱۵	-۴,۱۴۸۶	-۳,۵۶۷۱
۳	میزان اشتغال در بخش صنعت	-۲,۵۹۵۷	-۳,۵۶۱۵	-۴,۵۰۹۲	-۳,۵۶۷۱
۴	میزان امید به زندگی	-۱۳,۸۸۲۰	-۳,۵۶۱۵	-	-
۵	دسترسی به زیرساخت‌های توسعه	-۰,۲۰۷۶۷	-۳,۵۶۱۵	-۴,۵۸۲۳	-۳,۵۶۷۱

۱- مانایی متغیرهای پژوهش، به این معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. یعنی دارای میانگین ثابت، واریانس ثابت و خود کوواریانس ثابت باشند.

۲. Augmented Dickey-Fuller

رابطه توسعه و طلاق در ایران ۲۰۳

منبع: خروجی نرم افزار میکروفیت

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود با انجام آزمون دیکی فولر تعمیم یافته و با مقایسه آماره آزمون^۱ با مقادیر بحرانی^۲ نتیجه شد به جز متغیر میزان امید به زندگی که در سطح ۹۵ درصد مانا بود، سایر متغیرهای مورد بررسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد انباشته از مرتبه اول بوده و مانا نیستند^۳. جهت مانایی کردن متغیرها از تفاضل مرتبه اول^۴ آنها استفاده شد، که نتایج سمت چپ جدول نشان می‌دهد تفاضل مرتبه اول همه متغیرهای میزان خام طلاق، درصد باسواد، شاغلان بخش صنعت، و دسترسی به زیرساخت‌های توسعه در سطح اطمینان ۹۵ درصد مانا هستند و بنابراین می‌توان از روش ARDL به منظور بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت آنها و برآورد مدل استفاده کرد.

جهت بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته و همچنین روابط متغیرهای مستقل با یکدیگر ماتریس همبستگی متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ماتریس همبستگی متغیرها

ردیف	متغیر	میزان خام طلاق	درصد باسوادی	شاغلان بخش صنعت	میزان امید به زندگی	دسترسی به زیرساخت‌های توسعه

۱. Test Statistic

۲. critical value

۳- جهت رد فرضیه صفر (نامانایی) و پذیرش فرضیه پایایی باید آماره محاسباتی اولاً منفی باشد و ثانیاً قدر مطلق آن از مقدار بحرانی جدول بیشتر باشد (تشکینی، ۱۳۹۳: ۱۸۴).

۴- تفاضلی کردن عملی است که باعث مانا شدن و ایستایی متغیرها می‌گردد. تفاضلی کردن متغیر یعنی اینکه در هر سال داده آن سال را از داده سال قبل آن کسر کنیم. برخی داده‌ها پس از چند بار تفاضلی کردن مانا می‌شوند.

۰,۷۸	۰,۶۳	۰,۷۹	۰,۵۵	۱	میزان خام طلاق	۱
۰,۹۴	۰,۹۸	۰,۷۰	۱	۰,۵۵	درصد باسوادی	۲
۰,۸۷	۰,۷۳	۱	۰,۷۰	۰,۷۹	درصد شاغلان بخش صنعت	۳
۰,۹۴	۱	۰,۷۳	۰,۹۸	۰,۶۳	میزان امید به زندگی	۴
۱	۰,۹۴	۰,۸۷	۰,۹۲	۰,۷۸	دسترسی به زیرساخت‌های توسعه	۵

منبع: خروجی نرم افزار میکروفیت

با توجه به یافته‌های جدول ۲، همه متغیرهای مستقل مورد مطالعه در پژوهش دارای رابطه مثبت و یا مستقیم با متغیر میزان خام طلاق هستند. با توجه به میزان مقادیر همبستگی ارائه شده در جدول متغیرهای میزان اشتغال در بخش صنعت (۰/۷۹) و دسترسی به زیرساخت‌های توسعه‌ای (۰/۷۸) به ترتیب دارای قوی‌ترین ارتباط همبستگی با میزان خام طلاق هستند و متغیر نسبت باسوادی دارای ضعیف‌ترین رابطه همبستگی (۰/۵۵) با میزان خام طلاق است.

بررسی رابطه کوتاه‌مدت

به منظور برآورد رابطه کوتاه‌مدت، ابتدا با توجه به تعداد محدود مشاهدات، حداکثر وقفه (۴) لحاظ و سپس با استفاده از معیار بیزین - شوارتز^۱، مدل کوتاه‌مدت برآورد شد، همانطور که در جدول زیر نیز مشاهده می‌شود در رابطه کوتاه‌مدت برآورد شده، وقفه بهینه میزان خام طلاق، میزان باسوادی، اشتغال در بخش صنعت و امکانات زیرساختی به ترتیب ۱، ۴، ۲، ۱، ۲ برآورد شد.

۱. Schwarz Bayesian

رابطه توسعه و طلاق در ایران ۲۰۵

جدول ۳- بررسی رابطه کوتاهمدت بین متغیرهای مستقل و میزان خام طلاق

متغیر (وقفه)	ضریب	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
طلاق (۱-)	۰,۱۸۲۷۲	۰,۱۵۱۸۰	۱,۲۰۳۷	۰,۲۵۲
درصد باسوادی	۴,۵۲۲۱	۱,۴۹۴۵	۳,۰۲۵۸	۰,۱۱۱
درصد باسوادی (۱-)	۰,۱۱۷۴۰	۲,۰۹۸۰	۰,۰۵۹۵۶	۰,۹۵۶
درصد باسوادی (۲-)	-۱۸,۳۶۳۱	۲,۹۱۷۲	-۶,۲۹۴۸	۰,۰۰۰
درصد باسوادی (۳-)	-۱۴,۲۱۹۰	۲,۷۴۱۹	-۵,۱۸۵۷	۰,۰۰۰
درصد باسوادی (۴-)	-۴,۴۵۷۹	۱,۵۹۰۱	-۲,۸۰۳۵	۰,۰۱۶
درصد شاغلان بخش صنعت	-۰,۴۵۸۱۲	۰,۳۳۹۴۰	-۱,۳۴۹۸	۰,۲۰۲
درصد شاغلان بخش صنعت (۱-)	-۲,۳۱۸۹	۰,۴۵۸۶۱	-۵,۴۷۲۲	۰,۰۰۰
درصد شاغلان بخش صنعت (۲-)	-۲,۳۱۸۹	۰,۴۳۹۴۴	-۵,۲۷۶۹	۰,۰۰۰
میزان امید به زندگی	۶۷,۷۹۶۵	۹,۸۳۷۲	-۶,۸۹۱۹	۰,۰۰۰
میزان امید به زندگی (۱-)	۷۳,۰۱۱۲	۱۰,۴۹۷۰	۶,۹۵۵۴	۰,۰۰۰
دسترسی به زیرساخت‌های توسعه	۱۰,۱۰۶۶	۲,۱۶۴۲	۴,۶۶۹۷	۰,۰۰۱
دسترسی به زیرساخت‌های توسعه (۱-)	۱۰,۰۰۰۷	۲,۰۲۵۶	۴,۹۳۷۱	۰,۰۰۰
دسترسی به زیرساخت‌های توسعه (۲-)	۳,۴۴۵۶	۱,۳۶۸۰	۲,۵۱۸۷	۰,۰۲۷
عرض از مبدأ	۳۳,۹۹۸۲	۵,۱۲۹۳	۶,۶۲۸۲	۰,۰۰۰

منبع: خروجی نرم افزار میکروفیت

با توجه به یافته‌های جدول ۳، اثر متغیر میزان خام طلاق، همانطور که قابل پیش‌بینی بود بر میزان خام طلاق در سال‌های بعد تأثیر معناداری ندارد. تأثیرات معنادار میزان باسوادی با وقفه دو، سه و چهار سال بر میزان خام طلاق است که به صورت منفی بوده و بیشترین تأثیرات را با وقفه دو سال بر میزان طلاق دارد. تمام تأثیرات متغیر میزان اشتغال بخش صنعتی بر میزان خام طلاق منفی و بیشترین تأثیرات آن با وقفه یک سال است. بیشترین میزان تأثیر امید به زندگی در وقفه یک سال و بیشترین تأثیر میزان دسترسی به امکانات زیرساختی توسعه بدون وقفه بر میزان طلاق وارد

می‌شود، ضمن این‌که تمام تاثیرات این دو متغیر در کوتاه‌مدت بر میزان طلاق به صورت مثبت و معنادار نیز هستند. ضمن این‌که میزان تبیین مدل برابر با $0/99503$ و همچنین سطح معناداری ($0/000$) آزمون F-stat نشان از برآورد درست و با دقت بالای مدل دارد. علاوه بر این، براساس نتایج جدول آزمون‌های تشخیصی^۱ از جمله اختلال به لحاظ خود همبستگی سریالی، فرم تبعی، نرمال بودن توزیع جملات خطا و همسانی واریانس جملات اختلال، همه شرایط کلاسیک را دارد و از کلیه آزمون‌های نکوئی برازش عبور می‌کند.

بررسی رابطه بلند مدت

قبل از محاسبه رابطه بلندمدت بین متغیرها، ابتدا باید وجود آن بررسی شود. بدین منظور، با کم کردن مقدار ضریب وقفه متغیر وابسته ($0/18272$) از ۱ و تقسیم آن بر انحراف استاندارد ($0/1518$) عدد $5/38393-$ به دست می‌آید که از نظر قدر مطلق از مقدار بحرانی بنرجی، دولادو و مستر^۲ ($3/27$) بیشتر است؛ بنابراین فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت را به نفع فرضیه مقابل (وجود رابطه بلندمدت) رد می‌کنیم. نتایج حاصل از برآورد رابطه بلندمدت در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- بررسی رابطه بلند مدت بین متغیرهای مستقل و میزان خام طلاق

متغیر (وقفه)	ضریب	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
درصد باسواد	۲۱,۰۱۹۷	۰,۹۴۰۸۵	۲۲,۳۴۱۳	۰,۱۱۱
درصد شاغلان بخش صنعت	۳,۴۲۹۷	۰,۴۳۰۲۴	۷,۹۷۱۴	۰,۲۰۲
میزان امید به زندگی	۳,۳۸۳۱	۰,۵۴۳۲۵	۶,۲۲۷۴	۰,۰۰۰
دسترسی به زیرساخت‌های	۱۵,۲۷۹۹	۰,۷۱۸۳۸	۲۱,۲۷۰۰	۰,۰۰۱

۱. Diagnostic Tests

۲. Banerjee, Dolado and Mester

رابطه توسعه و طلاق در ایران ۲۰۷

				توسعه
۰,۰۰۰	۱۲,۸۵۰۱	۱,۷۱۶۴	۲۲,۰۵۶۲	عرض از مبدأ

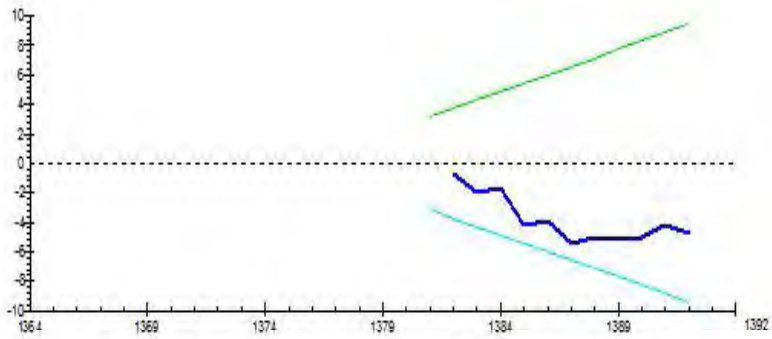
منبع: خروجی نرم افزار میکروفیت

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود در بلندمدت تأثیر همه متغیرهای مستقل بر میزان خام طلاق مثبت و معنادار است و متغیر میزان باسواد و امکانات زیرساختی تأثیرات بلندمدت قوی‌تر بر میزان خام طلاق به نسبت متغیرهای میزان اشتغال در بخش صنعت و امید به زندگی دارند.

آزمون ثبات برآوردها

آزمون‌های مختلفی برای بررسی ثبات ضرایب تخمین‌های رگرسیونی مطرح شده‌اند. پسران و شین (۱۹۹۷) آزمون‌های CUSUM و CUSUMSQ را برای تعیین ثبات پارامترهای بلندمدت و همچنین کوتاه‌مدت در مدل پیشنهاد کرده‌اند. نمودارهای ۳ و ۴ آمارهای آزمون CUSUM و CUSUMSQ که در طول زمان ترسیم شده‌اند را برای مدل ARDL نشان می‌دهد. خطوط مستقیم در نمودارها سطح معناداری ۵ درصد را نشان می‌دهند. همان‌طور که در این نمودارها مشاهده می‌شود؛ مسیر حرکت آماره‌های آزمون به گونه‌ای است که پیوسته در داخل خطوط مستقیم قرار دارد که بر ثبات مدل دلالت می‌کند. بر اساس این آزمون‌ها فرضیه ثبات ضرایب را در سطح معناداری ۵ درصد نمی‌توان رد کرد و می‌توان نتیجه گرفت که الگوی برآورد شده در دوره مورد مطالعه با ثبات بوده است.

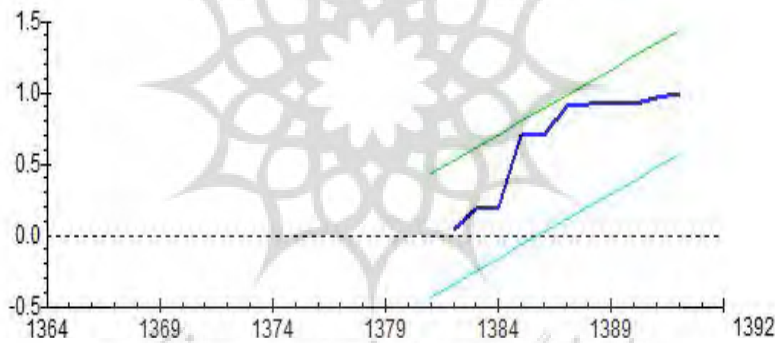
نمودار ۳- آزمون CUSUM برای ثبات برآورد مدل



The straight lines represent critical bounds at 5% significance level

منبع: خروجی نرم افزار میکروفیت

نمودار ۴- آزمون CUSUMSQ برای ثبات برآورد مدل



The straight lines represent critical bounds at 5% significance level

منبع: خروجی نرم افزار میکروفیت

پژوهشگاه بین‌المللی روانشناسی
رتال جامع علوم انسانی

بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته‌های مطالعه می‌توان گفت همراه با روند رشد شاخص‌های توسعه در طول دوره مورد بررسی (۱۳۶۰-۱۳۹۲) در کشور، میزان طلاق نیز افزایش قابل توجهی پیدا کرده است و از ۰/۶ واقعه طلاق به ازای هر هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۶۰ به ۲/۰۱ واقعه به ازای هر هزار نفر جمعیت رسیده است، حتی در طول سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ که به تبع تغییر در ساخت و ترکیب جمعیت کشور و کاهش افراد در سن ازدواج، تعداد ازدواج‌ها کاهش یافته، تعداد طلاق روند صعودی و افزایشی خود را ادامه داده است و پیش‌بینی می‌شود این روند افزایشی طلاق در کشور در سال‌های آتی نیز ادامه پیدا کند.^۱ بررسی شاخص‌های مورد بررسی در پژوهش نیز نشان می‌دهد که همه شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی (نرخ باسوادی، میزان اشتغال در بخش صنعت، امید به زندگی و دسترسی به زیرساخت‌های توسعه‌ای) دارای رابطه قوی و مثبتی با متغیر طلاق بوده‌اند، همچنین بررسی روابط کوتاه‌مدت بین متغیرها نشان می‌دهد که سطح باسوادی و اشتغال در بخش صنعت در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بر طلاق داشته و باعث کاهش آن می‌شود در حالی که بررسی روابط بلندمدت نشان می‌دهد که هر چهار متغیر نرخ باسوادی، میزان اشتغال در بخش صنعت، امید به زندگی و دسترسی به زیرساخت‌های توسعه‌ای دارای اثر مثبت و مستقیم بر طلاق بوده‌اند که در راستای نتایج تحقیقات قبلی (مانند موکایی، ۲۰۰۴، برگس و همکاران، ۲۰۰۳، وانگ و ژو، ۲۰۱۰، موسایی و همکاران، ۱۳۸۸، نوابخش و همکاران، ۱۳۹۴) بوده است.

اما موضوع اساسی این است که نباید یافته‌ها این گونه تفسیر شود که افزایش سطح باسوادی، اشتغال در بخش صنعت، امید به زندگی و دسترسی به زیرساخت‌های

۱- این درحالی است که آمارهای موجود مربوط به طلاق، شامل افرادی که از یکدیگر جدا شده، اما به صورت قانونی طلاق نگرفته‌اند، نمی‌شود.

توسعه‌ای سبب و علل افزایش طلاق هستند و فرد برخوردار از هر یک از متغیرها گرایش بیشتری به سمت طلاق دارد؛ بلکه آنچه که ارتباط بین این متغیرها و به صورت کلی توسعه و طلاق را معنادار می‌کند، تاثیرات ثانویه و پیامدهایی است که توسعه به همراه داشته و سبب افزایش طلاق در جامعه می‌گردد. توسعه و فرایند گذار به سوی توسعه‌یافتگی با دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی (افزایش جمعیت، رشد شهرنشینی، رشد تکنولوژی، رشد وسایل ارتباطات جمعی) موجب تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های افراد می‌شود و این تغییرات به نوبه خود شکل خانواده و ازدواج را دگرگون کرده و سبب پذیرش نسبی طلاق در جامعه و افزایش تحمل طلاق برای مطلقه‌ها می‌شود. در این راستا مطالعات مختلف (اینگلهارت، ۱۳۸۹، گیدنز، ۱۳۹۶، گزالس، ۲۰۰۹، سگالن، ۱۳۸۸) نشان می‌دهند که افزایش طلاق معلول تغییرات اجتماعی- اقتصادی، ناشی از فرایند توسعه است. بنابراین هر چند تحولات ساختاری با تأثیرگذاری عاملیت انسانی همراهی دارد ولی دگرگونی‌های نهاد خانواده فراتر از تأثیر مزبور بیشتر تحت تأثیر علل شالوده‌ای و تغییرات اجتماعی رخ داده است تا این‌که صرفاً محصول اراده‌های فردی و برنامه‌ریزی‌های سازمانی باشد (قانع‌راد، ۱۳۹۶: ۱۳).

در جهان نیز افزایش نرخ طلاق یکی از مهم‌ترین روندهایی بوده است که بر الگوهای خانواده در بسیاری از جوامع صنعتی تأثیرگذار بوده است. در سال ۱۹۰۰ حدود ۹۰ درصد کل ازدواج‌های بریتانیا، ازدواج اول بودند و در ازدواج‌های مجدد دست کم یکی از دو طرف بیوه بود. اما همراه با افزایش نرخ طلاق سطح ازدواج‌های مجدد نیز رو به بالا رفت و نسبت فزاینده‌ای از ازدواج‌های مجدد شامل افراد مطلقه شد. در سال ۱۹۷۱، از کل ازدواج‌ها، ۲۰ درصد ازدواج مجدد بود، امروز این رقم بیش از ۴۰ درصد است (گیدنز، ۱۳۹۶: ۲۶۶). در این چارچوب طلاق همیشه به معنای شوربختی نیست، امروزه طلاق، عملی بهنجار انگاشته شده و به گونه‌ای روزافزون اقدامی برای رهایی از تنش خانوادگی تلقی می‌شود. کسانی که پیش از این شاید احساس می‌کردند اسیر ازدواج مصیبت‌باری شده‌اند، می‌توانند همه چیز را از نو شروع کنند. بر این اساس

میزان روبه رشد طلاق نشانگر ناخرسندی عمیق از نفس ازدواج نیست، بلکه نشانه عزم راسخ‌تر برای تبدیل ازدواج به رابطه‌ای پرثمر و رضایت‌بخش است (سگالن، ۱۳۷۸، گیدنز، ۱۳۹۶).

اما در ایران طلاق همچنان به‌عنوان یکی از آسیب‌های مهم اجتماعی مطرح است که پیامدهای زیانباری برای زنان و مردان مطلقه و فرزندان طلاق به همراه دارد و زمینه‌ساز بروز و افزایش آسیب‌های اجتماعی دیگری نیز می‌شود. از جمله این پیامدها و آسیب‌ها که در تحقیقات مختلف به آن اشاره کرده‌اند عبارتند از: برای زنان مطلقه: طرد و اختلال در مناسبات اجتماعی، مشکلات روانی، احساس ناامنی، فشار مشکلات مالی و اقتصادی، احتمال گرایش به انحرافات جنسی و فساد اخلاقی؛ برای مردان مطلقه: مسائل روانی، احتمال گرایش به اعتیاد به مواد مخدر و الکل، خودکشی، انحرافات جنسی و فساد اخلاقی و برای فرزندان طلاق: بروز افسردگی، اضطراب و پرخاشگری، افت تحصیلی و ترک تحصیل، گرایش به بزهکاری، افزایش گرایش به مواد مخدر، الکل و خودکشی (کلانتری، روشن فکر، ۱۳۹۳). بنابراین به نظر می‌رسد افزایش طلاق در روند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران همراه با افزایش زمینه برای بروز آسیب‌های متعدد دیگری است و هنوز زمینه برای شروع دوباره زندگی برای بسیاری از زوجین و فرزندان طلاق در جامعه فراهم نیست، ازدواج مجدد به‌ویژه در زنان مطلقه بسیار پایین است و از زنان مطلقه و فرزندان طلاق حمایت (مالی، مددکاری و بیمه‌ای) کافی نمی‌شود.

سخن پایانی پذیرش این واقعیت است که همراه توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی، طلاق نیز افزایش می‌یابد و راهکارها و سیاست‌گذاری‌های متعدد وضع شده نیز نتوانسته از روند افزایشی طلاق جلوگیری کند؛ هر چند این موضوع نباید به معنای توقف برنامه‌ریزی و تلاش در جهت پیشگیری و کاهش طلاق تلقی شود. اما آنچه در این زمینه اهمیت پیدا می‌کند^۱، برنامه‌ریزی جهت کاهش پیامدهای آسیب‌زای طلاق از جمله

۱- درباره استحکام خانواده و کاهش طلاق در تحقیقات و گزارش‌های متعددی، راهکارها و پیشنهادها فراوانی ارائه شده است که این پژوهش قصد تکرار آنها را ندارد.

حمایت از زنان و مردان مطلقه و طراحی نظام‌های حمایت‌گری از فرزندان طلاق و فراهم کردن زمینه‌های ازدواج مجدد برای افراد مطلقه است، مسئله‌ای که به نظر می‌رسد در سودای سیاست‌گذاری و ارائه راهکارهای کاهش طلاق در کشور به فراموشی سپرده شده است. این واقعیت که هر سال بیش از ۳۰۰ هزار نفر مطلقه می‌شوند که بیش از ۵۰ درصد آن‌ها دارای طول مدت زندگی مشترک ۵ سال بیشتر بوده و به تبع آن دارای فرزندان نیز شده‌اند که درگیر طلاق و پیامدهای آن می‌شوند، نیازمند ارائه راهکارهایی جهت بازگشت این افراد به فرایند زندگی عادی با کم‌ترین میزان آسیب‌دیدگی و نیازمند پذیرش اجتماعی طلاق و استقرار نظام پایش و حمایت‌گری از این افراد است. در این راستا پژوهش حاضر پیشنهادها را زیر را ارائه می‌کند:

۱- سازمان‌هایی مانند ثبت‌احوال که مسئول تهیه آمار و اطلاعات وقایع حیاتی هستند، به همراه ثبت طلاق، اطلاعات فرزندان طلاق، مانند سن و جنس فرزندان، نحوه سرپرستی آن‌ها، محل زندگی و ... را ثبت کند تا ضمن تصویر روشن از شرایط موجود، زمینه‌های برنامه‌ریزی دقیق در این مورد را فراهم کند.

۲- در برنامه‌های ریزی و سیاست‌گذاری حوزه خانواده، طلاق، آسیب‌های اجتماعی زنان مطلقه، فرزندان طلاق و فراهم سازی شرایط جهت ازدواج مجدد (مانند ارائه وام ازدواج به ازدواج‌های مجدد) نیز مد نظر قرار گیرد.

۳- نحوه تعامل با فرزندان طلاق در خانواده، زندگی فرزندان پس از ازدواج مجدد والدین، زندگی در خانواده‌های ترمیمی^۱ و دشواری و معضلات آن، آسیب‌ها و مشکلات شخصیتی و روانی فرزندان طلاق، تعامل با فرزندان طلاق در محیط‌های عمومی جامعه مانند: مهدکودک و مدرسه و موارد متعدد دیگری که به فرزندان طلاق مرتبط است هنوز در کشور نااندیشیده و مبهم است و حتی کتاب و آموزش‌های لازم درباره آن‌ها در سطح کشور در دسترس نیست، بنابراین نیازمند پژوهش و مطالعه بیشتر است.

۱- خانواده ترمیمی یا ناتنی (Reconstructed Family) به خانواده‌ای اطلاق می‌شود که در آن دست کم یکی از طرفین از ازدواج پیشین خود فرزند یا فرزندان داشته باشد.

۴- مددکاری اجتماعی هم در مسئله طلاق، نباید به مشاوره و مددکاری به متقاضیان طلاق و قبل از فرایند طلاق محدود شود (سیاستی که در حال حاضر به کمک سازمان و با همکاری کلینیک‌های مددکاری اجرا می‌شود). از این رو نقش مددکاری اجتماعی بعد از فرایند طلاق و در ارتباط با زنان مطلقه و فرزندان طلاق می‌تواند پر رنگتر شده و در برنامه‌ریزی و سیاست‌های کلان حوزه خانواده و ازدواج در نظر گرفته شود.

منابع

- آگبرن، ویلیام؛ نیمکوف، مایر. (۱۳۸۰)، *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه: امیرحسین آریانپور، تهران: انتشارات گستره.
- آذربایجانی، کریم؛ شهیدی، آمنه؛ محمدی، فرزانه. (۱۳۸۸)، بررسی ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی - تجارت و رشد در چارچوب یک الگو خود توضیحی با وقفه‌های گسترده (ARDL). *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*. سال نهم، شماره ۲.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: نشر کلمه.
- اطاعت، جواد؛ شجاعی نسب، عبدالرضا. (۱۳۹۲)، سنجش شاخص‌های توسعه‌یافتگی در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸، *فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای*، دوره ۳، شماره ۱۲.
- اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین. (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، تهران: نشر کویر.
- بیکر، ترز آل. (۱۳۹۲)، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ نائی، تهران: نشر نی.
- پوراصغر، سنگاچین فرزام؛ صالحی، اسماعیل؛ دیناروندی، مرتضی. (۱۳۹۱)، سنجش سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی، *فصلنامه آمایش سرزمین*، دوره ۴، شماره ۲.
- پیران، پرویز. (۱۳۶۹)، در پی تبیین جامعه‌شناختی طلاق: برخی ملاحظات روش‌شناختی، *نشریه افق*، دوره ۱، شماره ۲.
- تشکینی، احمد. (۱۳۹۳)، *اقتصادسنجی کاربردی به کمک مایکروفیت*، تهران: نشر نور علم.

- توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- چتفیلد، کریستوفر. (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر تحلیل سری‌های زمانی*، ترجمه: سیدابوالقاسم بزرگ‌نیا، حسینعلی نیرومند، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود؛ اکبری، حسین. (۱۳۸۴)، *توسعه‌سیاسی، توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی، مطالعه تطبیقی- طولی (۱۹۷۰-۲۰۰۰)*، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۳.
- داداش‌زاده فهیم، هوشنگ. (۱۳۸۹). نقش عوامل اقتصادی، رضامندی جنسی و عاطفی در گسست خانواده، *فصلنامه علوم انسانی*، سال ۱۶، ش ۳.
- دورکیم، امیل. (۱۳۷۸)، *خودکشی*، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۶)، *طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سگالن، مارتین. (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواد*، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- سلیمی‌فر، مصطفی. (۱۳۷۶)، *ناهمگونی‌های اقتصادی منطقه‌ای در ایران. اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۲۱-۱۲۲.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات سمت.
- ضیائی، آرام. (۱۳۹۵)، *پساتوسعه*، ترجمه: موسی عنبری، ابوذر قاسمی نژاد و میلاد رستمی، تهران: نشر علم.
- قانع‌راد، محمدامین. (۱۳۹۶)، *زوال پدرسالاری: فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی*، تهران: انتشارات نقد فرهنگ.
- کلاتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام. (۱۳۹۳)، *طلاق در ایران*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

رابطه توسعه و طلاق در ایران ۲۱۵

- گود، ویلیام جی. (۱۳۵۳)، *خانواده و جامعه*، ترجمه: ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لغت‌ویج، آدریان. (۱۳۸۹)، *دموکراسی و توسعه*، ترجمه: احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- مددی، حسین. (۱۳۸۰)، بررسی علل تقاضای طلاق زوجین، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد* مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- موسایی، میثم؛ مهرگان، نادر؛ گرشاسبی فخر، سعید. (۱۳۸۸)، تأثیر سواد، شهرنشینی هزینه خانوار و درآمد و توزیع آن بر نرخ طلاق در ایران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۰، شماره ۴.
- ناطق‌پور، محمدجواد. (۱۳۸۶)، *رویکردی نو به آسیب اجتماعی از نگاه توسعه*، تهران: نشر سلمان.
- نصرتی‌نژاد، فرهاد؛ دیهول، منصور. (۱۳۹۰)، *تبیین جامعه‌شناختی طلاق در ایران*، مرکز پژوه‌های مجلس شورای اسلامی.
- نوابخش، مهرداد؛ یوسفی، نریمان؛ پژوهان، علی. (۱۳۹۴)، بررسی نشانگان اجتماعی گذار و طلاق، *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، دوره ۱۷، شماره ۶۷.
- یوسفی، نریمان؛ خدامرادی، حسام. (۱۳۹۱)، توسعه و طلاق: با تأکید بر نقش زنان، در *آسیب‌های اجتماعی خانواده، نابسامانی، خشونت و طلاق، مجموعه مقالات انجمن جامعه‌شناسی ایران*، تهران: نشر آگاه.
- Andzenge, Dick Taver'shima. (1991). *Crime and development: A comparative analysis, Dissertation Submitted to Degree of Doctor of Philosophy Department of Sociology*, Western Michigan University.
- Bennett, Richard R. (1991). Development and Crime: A Cross-National, Time-Series Analysis of Competing Models, *The Sociological Quarterly*, Vol. 32, No. 3, pp. 343-363.

- Boswell, Matthew James. (2013). *Economic change and violence in cross-national, regional, and local perspectives, thesis submitted for the Doctor of Philosophy degree in Sociology*, University of Iowa.
- Burgess Simon, Propper Carol, Aassve Arnstein. (2003). The role of income in marriage and divorce transitions among young Americans". *Journal of Population Economics*, Vol. 16, pp,455-475.
- Casanova, Erynn Masi de. (2008). *Divorce in Encyclopedia of Social Problems*, Sage Publications.
- Gonzalez, Libertad. (2009), *The Effect of Divorce Laws on Divorce Rates in Europe*, European Economics Review, 53(2):38-127.
- Hanzla Jalil, Hafiz, Iqbal. Muhammad Mazhar. (2010). Urbanization and Crime: A Case Study of Pakistan, *Pakistan Development Review*, Vol. 49 Issue 4, pp ۱-۲۸.
- Hoffman Saul D, Duncan, Greg J. (1995). The effect of incomes, wages and afdc benefits on marital disruption. *Journal of Human Resources*, Vol. 30, pp.19-41.
- Khan, Nabeela, Ahmed, Junaid, Nawaz, Muhammad, Zaman, Khalid. (2015). The Socio-Economic Determinants of Crime in Pakistan: New Evidence on an Old Debate, *Arab Economics And Business Journal*, 10, pp. 73-81.
- LaFree, G. D., & Drass, K. A. (2002). *Counting crime booms among nations: Evidence for homicide victimization rates, ۱۹۵۶ to ۱۹۹۸*. Criminology, Vol, ۴۰, ۷۶۹-۷۹۹.
- Malik, Ajaz Ahmad. (2016). Urbanization and Crime: A Relational Analysis, *IOSR Journal Of Humanities And Social Science*, Volume 21, Issue 1, Ver. IV, PP 68-74.
- Mukai, Motonobu. (2004). *Modernization And Divorce In Japan. Thesis submitted to the degree of Master of Arts in Sociology*, Marshall University.
- Pesaran, Hashem., Shin, Yongcheol (۱۹۹۹). An Autoregressive Distributed Lag Modeling Approach to Cointegration Analysis. In: Strøm, S. (Ed.), *Econometrics and Economic Theory in the Twentieth Century: The Ragnar Frisch Centennial Symposium*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Rahav, Giora., Jaamdar, Shiva. (1982). Development and crime: A cross-national study. *Development and Change*, Vol. 13, pp. 447-562.

- Shelley, L. (1981). *Crime and modernization: The impact of industrialization and modernization on crime*. Carbondale: Southern Illinois University Press.
- Shelley, Louise. I. (1981). *Crime and modernization: The impact of industrialization and modernization on crime. Carbondale and Edwardsville, IL: Southern Illinois University Press.*
- Shichor, David. (1990). Crime Patterns And Socioeconomic Development: A Cross-National Analysis. *Criminal Justice Review*, Volume 15, Number 1, pp. 64-78.
- South, Scott J. (1985). Economic Conditions and the Divorce Rate: A Time-Series Analysis of Postwar United States, *Journal of Marriage and the Family*, Vol. ۴۷, pp. ۳۱-۴۱.
- Tushima, Mashiro (1996). "Economic Structure and Crime: The Case of Japan", *Journal of Socio-Economic*, Vol. 25, No. 4, pp. 498-515.
- Uludag, Sener, U & Mark, C & David, U, Abbey L. E. (2009). Democracy, inequality, modernization, routine activities, and international variations in personal crime victimization, international criminal. *Justice Review*, Volume ۱۹, pp. ۲۶۵-۲۸۶.
- United Nations Office on Drugs and Crime and World Bank. (2007). *Crime, Violence, and Development: Trends, Costs, and Policy Options in the Caribbean*, Report No. 37820, United Nations Publication.
- Wang · Qingbin, Zhou, Qin. (2010). China's Divorce and Remarriage Rates: Trends and Regional Disparities. *Journal of Divorce & Remarriage*, vol.51, pp. 31-41. 257-267.
- Zehr, Howard. (1981). The modernization of crime in Germany and France: ۱۸۳۰-۱۹۱۳, pp. ۱۱۷-۱۴۱.